

تأثیر نخبگان سیاسی دوره پهلوی اول بر جامعه

دکتر مهدی گلجان^۱

مازیار طاهری^۲

چکیده

با ظهور رضا خان، اقتدار و امنیت نسبی در کشور فراهم شد. نخبگان متجدد متوجه وی شدند. آنان بر این باور بودند که فقط توسط رضا خان می‌شود به اصلاحات اساسی مبادرت ورزید و او را عنصری لایق در راستای نوسازی و اصلاح اوضاع اقتصادی، سیاسی و اجتماعی می‌دانستند و از توجه به فراهم آوردن یک نظام، به جای اتکاء به فرد، غافل بودند. چنان که روی داده‌های سال‌های بعد نشان داد، همین نخبگان سیاسی تجدد خواه با تلاش فراوان و تشکیل احزاب و روزنامه و با استفاده از راه‌های قانونی، بر اساس راه برده‌های قانون اساسی، زمینه قدرت‌گیری رضاخان و به سلطنت رسیدن او را مهیا ساختند. با به سلطنت رسیدن رضاشاه، ایران به یک باره عرصه تلاش نخبگان سیاسی تجدد خواه برای نوسازی و رساندن ایران به یک سطح کیفی و کمی تجاری، صنعتی و تحول در سطح اجتماعی شد. آن‌ها توانستند علاوه بر سیاست و حکومت، تأثیرات مهمی بر جامعه نیز بگذارند، که این تأثیرات جنبه‌های منفی و مثبت قابل تأملی داشت.

واژگان کلیدی: رضا شاه، تجدد خواهان، نخبگان سیاسی، نوسازی و ارتقاء، اصلاحات

اساسی

۱. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرری

۲. کارشناس ارشد رشته تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرری

مقدمه

در دوره رضاشاه، وی با تکیه بر ارتش به مبارزه با آن عده از نمایندگان فئودال‌های اشرافی و خان‌ها و به خصوص سران ایلات و عشایر، که از نفوذ گسترده‌ای برخوردار بودند و از حکومت مرکزی فرمان برداری نمی‌کردند، ادامه داد. بسیاری از آنان اعدام شدند. عده‌ای هم به زندان افتادند و یا به نقاط دور دست تبعید شدند. نیروهای مسلح تحت امر خان‌ها تار و مار شدند. هم‌چنین، تصمیمات شدیدی برای خلع سلاح ایلات و عشایر و اسکان اجباری آن‌ها آغاز شد. در این عهد، با مطیع ساختن خان‌های یاغی در اطراف و اکناف کشور، به ساختن جاده‌های شوسه پرداخته شد و مناطق دورافتاده ایران به تهران متصل گردید. به منظور تقویت حکومت مرکزی در پایتخت، و محدود ساختن حیطه اختیارات استان‌داران و فرمان‌داران، که عمدتاً استان‌های کشور را اداره می‌کردند، تغییراتی در تقسیمات کشوری داده شد؛ و به همین منظور، طبق قانونی که در مجلس یازدهم به تصویب رسید، ایالت‌های کشور منحل گردید، و ایران به ۱۰ استان و ۴۹ شهرستان تقسیم شد، و هر شهرستان نیز به بخش‌های کوچکی تقسیم گردید. بنابراین، دیگر مالکان و فئودال‌ها مانند گذشته صاحب اقتدار و اختیار در مناصب استان‌داری و فرمان‌داری نبودند و کسانی به این قسمت‌ها گمارده شدند که مورد اطمینان حکومت مرکزی و شخص شاه بودند.

بدین گونه، بستر برای تغییرات عمده در اصول نظام‌های اقتصادی، صنعتی و اجتماعی آماده شد و با تمرکز قدرت در کف حکومت مرکزی و نقش آفرینی نخبگان حاکم، با تغییر در نظام‌های قدیمی و پوسیده سنتی، گام‌های مؤثری در نوسازی ایران برداشته شد.

۱. سیاست گذاری ها و اجرای قانون های مالی و اقتصادی داخلی

اقتصاد در یک نظام سیاسی مقام نخست را دارد، چرا که پایه حکومت و ملت اقتصاد می باشد و کشوری که اقتصاد بیمار داشته باشد، دیگر نهادها، هم چون نهاد های سیاسی و اجتماعی - فرهنگی، از آن تأثیر می پذیرند.

در دوره سلطنت رضاشاه، با آن که کشاورزی اساس اقتصاد کشور را تشکیل می داد، بقایای عقب مانده مناسبات تولید فئودالی هنوز محفوظ بود. با این همه، مناسبات جدید بورژوازی به تدریج در کشور رشد و توسعه یافت. کارمزدوری، هم در شهر و هم در دهات، رواج داشت. در تأسیسات شرکت نفت انگلیس و ایران، نظام استثمار سرمایه داری برقرار بود. در شهر های ایران صنایع سرمایه داری ملی به تدریج رشد و توسعه یافت. در کشاورزی به طور عمده در نواحی شمالی کشور از دهقانان مزدور استفاده می کردند. این نوع اقتصاد هنوز کاملاً سرمایه داری نبود، ولی به موازات بقایای فراوان مناسبات فئودالی، شکل استثمار سرمایه داری به مقیاس وسیع و قابل توجهی در آن جریان داشت. با همه این تفصیلات که نشانه رشد تدریجی مناسبات بورژوایی در ایران بود، باید خاطر نشان ساخت که بورژوازی ملی در حال رشد ایران شدیداً با زمین داری و مالکیت فئودالی مرتبط بود و این امر تا اندازه قابل توجهی اهمیت نقش مترقی آن را در حیات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشور محدود می ساخت. ولی صرف نظر از این امر، منافع بورژوازی ملی و احتیاجات و تمایلات آن در سیاست رضاشاه منعکس گردید؛ زیرا تکیه گاه اجتماعی - اساسی رضاشاه را محافل بورژوا - فئودال تشکیل می داد (ایوانف، همان: ۷۲ - ۷۱).

با فرارسیدن دهه ۱۳۱۰ ه. ش، دوره کلیدی گذر از توسعه وابسته ماقبل سرمایه داری عهد قاجار، به توسعه وابسته سرمایه داری بعد از جنگ جهانی دوم، آغاز شد. بنابراین، ماهیت و دامنه دگرگونی های اقتصادی و طبقاتی در ساختار اجتماعی

ایران در این سال ها از اهمیت خاصی برخوردار بود (جان فوران ، ۱۳۸۲ : ۳۴۰).
 اوضاع نابسامان اقتصادی در دوره قاجار ، بخش های عمده دیگر حکومتی و مملکتی
 را تحت تأثیر قرار داده بود . اقتصاد دوره قاجار بیمار بود و حتی رشوه گیری
 سیاست مداران در عقد پیمان نامه ها و حراج منابع ثروت ملی به دیگر دول اروپایی ،
 که نقش استعمارگران متبحر را بازی می کردند ، امری عادی به شمار می رفت .
 بنابراین ، تغییر عمده در نهادهای سیاسی ایران ، به خصوص تغییر در نظام حاکمه و
 گردش نخبگان سیاسی حاکم ، و پرورش روحیه ملی گرایی و تجددخواهی و گذار
 ایران از یک کشور سنتی ضعیف به یک کشور نیمه متجدد ، کاری بسیار سخت و
 دشوار بود ، که تنها از عهده فرد و یا گروهی خاص برنمی آمد و لازمه اش وجود
 نگرش زیربنایی و نظام مند همراه با سنجش تمایلات داخلی و خارجی بود . با وجود
 این ، و خصوصاً آن که در آن عهد سیطره و قدرت اقتصادی و نظامی دول استعمارگر
 در حدی و رای تصور در کشورهای آسیایی ، به خصوص خاورمیانه ، بود ، و
 پایه های سلطه آن ها چنان مستحکم و ریشه دار بود که سست کردن شان کاری بس
 دشوار و محال می نمود . با این همه ، تلاش هایی که نخبگان سیاسی در این فرآیند ،
 یعنی ساختن ایران نو ، نمودند ، بر هیچ کس پوشیده نیست ؛ خصوصاً تلاش هایی که
 در نظام مالی کشور صورت گرفت و تأثیر مستقیمی بر جامعه و وضع اقتصادی مردم
 داشت ؛ هرچند این تلاش ها عمیق و درونی نبود ؛ و البته نقش وزرای مالیه رضاشاه
 در این میان فوق العاده مهم بود .

اما در یک تقسیم بندی کلی ، وزرای مالیه ، که از سال ۱۳۰۲ (قبل از سلطنت
 رضاشاه) تا زمان سقوط وی در شهریور ۱۳۲۰ برگزیده شدند ، عبارت بودند از :

وزرای مالیه قبل از سلطنت

۱. ذکاء الملک فروغی در کابینه مشیر الدوله ، خرداد ۱۳۰۲ هـ . ش ، و کابینه های
 سردار سپه ، شهریور ۱۳۰۳ و ۱۳۰۴ هـ . ش .

۲. محمود مدیرالملک در کابینه سردار سپه آبان ۱۳۰۲ و فروردین ۱۳۰۳ ه. ش .

وزرای مالیه بعد از به سلطنت رسیدن رضاشاه

۱. مرتضی قلی خان بیات در کابینه فروغی ، آذر ۱۳۰۴ ه. ش .

۲. میرزا حسن خان محتشم السلطنه در کابینه مستوفی الممالک ، شهریور ۱۳۰۵ ه. ش .

۳. نصرت الدوله فیروز در کابینه مستوفی الممالک ، بهمن ۱۳۰۵ ، و در کابینه هدایت ، خرداد ۱۳۰۶ ه. ش . مجدداً در کابینه هدایت ، مهر ماه ۱۳۰۷ ه. ش .

۴. سید حسن تقی زاده در کابینه هدایت ، دی ماه ۱۳۰۹ ه. ش . مجدداً در کابینه هدایت ، فروردین ۱۳۱۲ ه. ش .

۵. علی اکبر داور در کابینه فروغی ، شهریور ۱۳۱۲ ه. ش . مجدداً در کابینه فروغی ، خرداد ۱۳۱۴ ه. ش . و در کابینه محمود جم آذر ۱۳۱۴ ه. ش .

۶. محمود بدر در کابینه محمود جم ، مهر ۱۳۱۶ ه. ش .

۷. سرتیپ رضاقلی امیر خسروی در کابینه متین دفتری ، آبان ۱۳۱۸ ه. ش . و مجدداً در کابینه علی منصور ، تیر ۱۳۱۹ ه. ش .

۸. عباسقلی گلشائیان ، کفیل وزارت دارایی .

در ادامه به طور اختصار ادوار مختلف قانون اقتصادی و مالی مجلسین ، ۵ تا ۱۲ ، و برخی مصوبات مهم آن که تأثیر مستقیم بر اوضاع سیاسی ، اقتصادی و اجتماعی داشته و حاصل تلاش گسترده نخبگان سیاسی این دوره بوده است ، آورده می شود (جزایری ، ۱۳۳۵ : ۱۴۲ ، ۸۲) :

تصویب اولین قانون انحصار در دوره پهلوی

در سال ۱۳۰۴ اولین قانون انحصار دوره پهلوی ، یعنی « قانون اجازه انحصار دولتی قند و چای و اخذ دو قران از هر من مواد قندی و ۶ قران از هر من چای به عنوان حقوق انحصاری » ، در تاریخ ۹ خرداد ۱۳۰۴ ه. ش . به تصویب رسید . به موجب این قانون

خرید و فروش و صدور کلیه چای و قند و شکر و هرجه از قند و شکر ساخته شده است و وارد خاک ایران شود، به انحصار دولت در آمد و موسوم به « انحصار دولتی قند و چای » گردید.

برخی از مهم ترین قانون های اقتصادی و مالی که در دوره پنجم مجلس به تصویب رسیده اند :

۱. قانون مالیات راه و الغای عوارض و مالیات های بلدی

۲. قانون مالیات املاک اربابی و دواب

قانون های اقتصادی و مالی مصوب دوره ششم مجلس (۱۵ تیر ۱۳۰۵ - ۲۲ مرداد ۱۳۰۷ ه. ش)

مهم ترین مصوبات این دوره از مجلس ، به قرار زیر است :

۱. قانون منع خروج نقره از سرحدات ، مصوب ۲۴ مهر ماه ۱۳۰۵ ه. ش .

۲. قانون اجازه تأسیس بانک ملی ایران برای پیشرفت امر تجارت و زراعت

مصوب ۱۴ اردیبهشت ۱۳۰۶ ه. ش .

۳. قانون معافیت زراعت چای از پرداخت مالیات

۴. قانون الغای مالیات اغنام و احشام

تأسیس بانک ملی در ایران از مهم ترین قانون های اقتصادی مصوب دوره ششم قانون گذاری بود که برای اولین بار در ایران بانک مرکزی ملی را تشکیل داد ؛ در صورتی که قبل از این قانون ، بانک ایران و انگلیس که در دوره قاجاریه تأسیس شده بود ، کارهایی چون نشر اسکناس و انتقال وجوه دولتی را انجام می داد .

با تأسیس بانک ملی ، اختیار چاپ اسکناس و انتشار آن به دست دولت ایران می افتاد ؛ به همین سبب ، پس از مذاکرات طولانی ، این امتیاز از بانک شاهنشاهی به ۲۵۰ هزار لیره باز خرید شد . در عوض ، بانک شاهنشاهی اجازه معاملات رهنی محدود را به دست آورد (مخبرالسلطنه هدایت ، ۱۳۴۴ : ۳۷۸) .

قانون های اقتصادی و مالی مصوب دوره هفتم مجلس (۲۴ مهر ۱۳۰۷ - ۱۴ ابان ۱۳۰۹ ه. ش)

۱. قانون اجازه تأسیس وزارت طرق و شوارع و وزارت اقتصاد ، به جای وزارت

فوائد عامه

۲. قانون تعیین واحد و مقیاس پول قانونی

۳. قانون اجازه و تفتیش و نظارت در خرید و فروش اسعار خارجی به وسیله نرخ

اسعار

۴. قانون اجازه تأسیس بانک فلاحی

قانون تعیین واحد و مقیاس پول قانونی

این قانون در تاریخ ۲۷ اسفند ۱۳۰۸ ه. ش به تصویب مجلس رسید و پایه پول ایران که تا آن تاریخ نقره بود، تبدیل به طلا شد (جزایری، همان: ۱۱۵).

قانون های اقتصادی و مالی مصوب دوره هشتم مجلس (۲۰ دی ۱۳۰۹ تا ۲۰ دی ۱۳۱۱ ه. ش.)
از قوانین اقتصادی و قابل ذکری که در دوره هشتم مجلس به تصویب رسیده است، می توان به مورد ذیل اشاره نمود:

۱. قانون واگذاری انحصار تجارت خارجی مملکت به دولت

یکی از مهم ترین قوانین اقتصادی که در آن دوره به تصویب مجلس رسید، قانون انحصار بازرگانی خارجی به دولت بود که در تاریخ ۶ اسفند ه. ش به تصویب مجلس رسید و برای تکمیل این قانون در همان دوره، دو قانون دیگر، اولی به عنوان قانون متمم، و دیگری به نام قانون اصلاح انحصار بازرگانی، به تصویب رسید. به موجب این قوانین، انحصار تجارت خارجی به دولت واگذار شد. ماده واحده قانونی انحصار چنین می گوید: «از تاریخ تصویب این قانون، تجارت خارجی ایران در انحصار دولت بوده و حق وارد کردن و صادر کردن کلیه محصولات طبیعی و صنعتی و تعیین موقتی یا دائمی صادرات و واردات مزبور به دولت واگذار می شود و دولت می تواند تا تصویب متمم این قانون، از ورود مال التجاره خارجی به خاک ایران جلوگیری نماید».

این قانون، تجارت خارجی ایران را به دست دولت سپرد و عملاً اقتصاد ایران را تحت حمایت آن قرار داد. در کشورهایمانند ایران که در زمینه های مختلف اقتصادی، صنعتی و کشاورزی و غیره، از کشورهای صنعتی و فلاحی جدید

عقب تر مانده بودند ، بدون تردید ، با اقتصاد آزاد نمی شد عقب ماندگی را جبران کرد و معمولاً نظام حمایت است که می تواند این قبیل کشورها را با داشتن برنامه صحیح و مطالعه شده به دنبال اقتصاد و صنعت جدید پیش ببرد و همیشه دولت های بزرگ صنعتی و فلاحی هستند که از تجارت و اقتصاد آزاد طرف داری می کنند (جزایری ، همان : ۱۱۱ - ۱۱۰).

قانون های اقتصادی و مالی مصوب دوره نهم مجلس (۲۴ فروردین ۱۳۱۲ تا ۲۴ فروردین ۱۳۱۴ . ش .)
در بودجه سال ۱۳۱۳ ه . ش . مبالغ قابل توجهی برای کارخانه بطری سازی و تکمیل کارخانه سیمان و سرمایه معادن شمشک و بانک های ملی و کشاورزی و غیره تأمین گردیده بود .

در دوره نهم مجلس ، قوانین اقتصادی زیادی از تصویب گذشت ، که مهم ترین آن ها عبارت بودند از :

قانون اجازه تأسیس بانک کشاورزی و صنعتی سهامی

یکی از مهم ترین قوانین اقتصادی مصوب آن دوره ، که در تاریخ ۲۱ خرداد ه . ش . به تصویب رسید ، قانون اجازه تأسیس بانک کشاورزی و صنعتی سهامی بود . به موجب این قانون ، شعبه کشاورزی بانک ملی ایران ، مصوب ۱۳۰۹ ، ملغی و بانک کشاورزی و صنعتی تشکیل شد (همان جا) .

مهم ترین قوانین اقتصادی و مالی مصوب دوره دهم مجلس (۲۲ خرداد ۱۳۱۴ تا ۲۲ خرداد ۱۳۱۶)
عبارت بودند از :

۱ . قانون افزایش سرمایه بانک ملی

۲ . قانون راجع به معاملات خارجی

۳ . قانون اصلاح پاره ای از مقررات انحصار تجارت خارجی

مهم ترین قوانین اقتصادی و مالی مصوب دوره یازدهم مجلس (۲۷ شهریور ۱۳۱۶ تا ۲۷ شهریور ۱۳۱۸ ه . ش .)
عبارت بودند از :

۱ . قانون راجع به تعیین سهم مالک و زارع نسبت به محصول زمین های زراعتی

۲. قانون اساس نامه بانک ملی ایران

۳. قانون اجازه تأسیس بانک رهنی ایران

۴. قانون ایجاد صندوق پس انداز ملی

**مهم ترین قوانین اقتصادی و مالی مصوب دوره دوازدهم مجلس (۹ آبان ۱۳۱۸ تا ۹ آبان ۱۳۲۰
۵. ش .) عبارت بودند از :**

۱. قانون اصلاح قانون بازرگانی

۲. قوانین مربوط به فروش املاک زراعتی موقوفه و لغو آن

۳. قوانین مربوط به میزان گردش اسکناس

سیاست گذاری های نفتی و اصلاح قرارداد داریسی

از عناصری که در اقتصاد تاریخ معاصر کشورهای خاورمیانه تأثیرگذار بوده ، نفت است ؛ که به علت عدم شناخت و ناتوانی در امر استخراج و استفاده از مشتقات آن ، نفت این کشورها تحت سیطره ابرقدرت ها قرار گرفته است . از جمله قراردادهای نفتی که با کشور ایران منعقد گردید ، امتیاز نامه داریسی بود که بنابر آن ، عملاً انگلستان نفت ایران را به نازل ترین و پایین ترین قیمت می خرید . همین امر باعث شد که ایران نتواند بهره لازم را از نفت ببرد ؛ به همین سبب ، در تاریخ ۶ آذر ۱۳۱۱ ه . ش ، تقی زاده وزیر دارایی وقت ، نامه ای به شرکت نفتی ایران و انگلیس نوشت و اطلاع داد که دولت ایران از آن تاریخ امتیاز نامه داریسی را لغو کرده است و متذکر شد که اگر شرکت حاضر باشد برخلاف گذشته منافع ایران را مطابق نظر دولت بر وفق عدالت و انصاف تأمین کند ، دولت ایران از اعطای امتیاز جدید به آن شرکت امتناع نخواهد کرد . سه روز بعد ، مجلس به اتفاق آراء تصمیم دولت را تأیید کرد (فاتح ، ۱۳۳۵ : ۲۹۲ ؛ وزیر ، ۱۳۷۹ : ۷-۱۲۵) .

پس از الغای امتیاز نامه از طرف ایران ، این شرکت نامه اعتراض آمیزی به دولت نوشت و تقاضای استرداد آن را نمود . متعاقب آن ، دولت انگلیس اعتراض رسمی

کرد و تهدید نمود اگر دولت نامه خود را تا یک هفته بعد مسترد ندارد، قضیه را به دیوان داوری بین المللی لاهه ارجاع خواهد داد. دولت ایران در جواب، صلاحیت دیوان داوری را رد کرد، و دولت انگلیس هم مسئله را به شورای جامعه ملل رجوع نمود. هیئتی مرکب از علی اکبر داور وزیر دادگستری، حسین علاء رئیس بانک ملی، و نصرالله انتظام، به نمایندگی دولت ایران انتخاب شدند و در دسامبر ۱۹۳۲ به ژنو عزیمت نمودند تا به شکایت دولت انگلستان پاسخ دهند. پس از مذاکرات در شورای جامعه و به وساطت وزیر امور خارجه چکسلواکی، دکتر بنش، طرفین توافق کردند مذاکرات برای عقد قرارداد جدیدی در تهران آغاز گردد (فاتح، همان جا؛ راسخی، ۱۳۸۴: ۹۶، ۳۳؛ عبده، ۱۳۶۸: ۱/۹۱).

لازم به ذکر است که قبل از الغای قرارداد، ایران موقعیت فوق العاده مستحکمی در قبال شرکت داشت، که متأسفانه رضاشاه آن را درک نکرد، و اگر به آن پی برده بود، می توانست بدون ایجاد جنجال و هیاهو استیفای حق ایران را بنماید، اما با سوزاندن امتیاز نامه داری، همه آن ها از بین رفت. به طور کلی، رضا شاه شناخت لازم از جهان و اوضاع سیاست بین المللی نداشت و معمولاً در بازی های بین المللی خیلی زود و سریع موقعیت را از دست می داد؛ که یکی از آن ها مسئله پیمان نفتی داری بود. از جمله دلایل مشروع و مستدل برای احقاق حق ایران، موارد زیر را می توان یاد آور شد:

۱. خسارت وارد شده به دولت ایران در نتیجه فروش نفت ارزان از طرف شرکت به دولت انگلیس، یکی از ادعاهای مشروع و دنیا پسند بود که در هر جا طرح می شد، حق با دولت ایران بود.

۲. در امتیاز نامه داری حق الامتیاز بر مبنای شانزده درصد از درآمد خالص بدون هیچ قید و شرطی بایستی وصول می گردید. به عبارت دیگر، دولت ایران در عواید شرکت سهم بود و دولت ایران می توانست سهم بودن در منافع را وسیله قرار دهد.

دامنه اعمال نظر در این کار به حدی وسیع بود که ممکن بود مشکلات بسیاری برای شرکت فراهم نماید و شرکت را وا بدارد که تقاضای مشروع دولت را به سهولت بپذیرد .

۳. امتیاز نامه داری شرکت نفت را از پرداخت مالیات بر درآمد و مالیات های مشابه آن به هیچ وجه معاف نکرده بود .

۴. دولت ایران می توانست به وسیله وضع قوانین مخصوصی که متناقض با امتیاز داری نباشد ، هر سال عواید هنگفت دیگری از شرکت به دست آورد .

۵. دولت می توانست اجرای کامل تعهدات شرکت را درباره افزایش مستخدمان ایرانی تقاضا کند و به وسیله وضع قوانین مخصوصی بیمه کارگران و کارمندان و افزایش حقوق ، ایجاد مسکن و خانه و وسایل آسایش آن ها را تأمین نماید ؛ بدون این که قوانین مزبور معارض با مواد امتیاز نامه باشد (فاتح ، همان : ۲۹۴).

به هر روی ، مذاکره برای آغاز انعقاد قرارداد نفتی دیگری شروع شد . در این میان ، در مسیر الغای قرارداد داری و عقد قرارداد نفتی ۱۹۳۳ م ، علاوه بر علی اکبرداور ، سید حسن تقی زاده و افراد دیگر ، نباید تلاش های ذکاء الملک فروغی و تیمورتاش را نادیده گرفت (آژند ، ۱۳۷۸ : ۹۰ - ۳۸۹) .

در قرارداد جدید سهم عایدات ایران از نفت بر مبنای تازه ای گذاشته شد و سهم سالیانه ایران از این عایدات زیادتیر گردید ؛ ولی محققاً در آن قرارداد ، مانند قرارداد داری ، سهمی را که حقاً باید به دولت ایران بدهند ، ندادند ؛ و وضع حساب و میزان عایدی واقعی آن برای دولت ایران روشن نبود . مضاف بر آن که مأموران آن شرکت ، دست از مداخلات در امور داخلی ایران برنداشتند ؛ تا آن که در سال ۱۳۲۹ هـ . ش ، برای خاتمه دادن به آن وضع ، نفت ایران به موجب قانون ملی گردید (جزایری ، همان : ۱۱۷) .

سیاست گذاری های تجارت خارجی

با بررسی صادرات و واردات در این عهد آشکار می شود که ایران صادر کننده عمده مواد اولیه، به ویژه نفت و کالاهای سنتی، بود و واردات عمده آن را ماشین آلات و کالاهای سرمایه ای، پارچه و وسائط حمل و نقل تشکیل می داد. کسری موازنه بازرگانی نزدیک به سی صد میلیون ریال بود که با نوسان هایی ادامه داشت. طرفین عمده تجارت خارجی ایران، عبارت بودند از: انگلستان، شوروی، آلمان نازی، فرانسه، آمریکا، ژاپن، بلژیک، ایتالیا، چکسلواکی و دیگر کشورها (آوری، ۱۳۶۷: ۲/۲۲).

برای پی بردن به نقش آفرینی نخبگان سیاسی این عهد در ایجاد روابط حسنه با دول دیگر، حتی در امر تجارت، می توان به اقدامات تیمورتاش اشاره کرد، که با آغاز سلطنت رضا شاه، دولت شوروی انتظار داشت اولین قرارداد تجاری بین دولت جدید ایران و شوروی منعقد شود؛ ولی دولت فروغی حق تقدم را برای دولت ترکیه قائل شد و همین امر باعث گردید دولت شوروی رویه ای خصمانه اتخاذ کند و مرزهای خود را بر روی تجار ایرانی ببندد. تیمورتاش وزیر دربار، در سفر به شوروی دعاوی تجاری دو دولت را به شرح زیر حل نمود:

۱. تعرفه گمرکی. در سال ۱۹۲۰ م قرارداد گمرکی بین دولت ایران و کلیه دول منعقد گردید که مطابق آن قرارداد، حقوق گمرکی اخذ می گردید (دولت روسیه تا آن تاریخ قرارداد گمرکی خود را اجرا می کرد و از این حیث تفاوت کلی در حقوق گمرکی روسیه پیدا می شد و سرانجام در اثر تلاش تیمورتاش دولت شوروی قرارداد ۱۹۲۰ م را پذیرفت. هم چنین، عوارض سرحدی نفت و بنزین، شامل سایر کالاهای صادراتی شوروی به ایران گردید).

۲. شیلات . موضوع شیلات که از مسائل لاینحل بین دولتین شده بود ، با توافق نظر طرفین بدین شکل حل شد که امور شیلات تحت نظر مأموران دولتین ایران و شوروی در حقیقت به اشتراک دو دولت به مدیریت سه نفر ایرانی و دو نفر روس اداره شود ؛ البته ، این اشتراک مدیریت برای مدت معینی بود و پس از انقضای مدت، تمام امور شیلات تحت نظر دولت ایران قرار می گرفت .

۳. اجرای مقررات عهد نامه . مقررات عهد نامه منعقد شده بین دولتین اجرا خواهد گردید و جزایر فیروزه و بندر انزلی رسماً به دولت ایران واگذار خواهد شد .

۴. مسئله تجارت . در مسئله تجارت قرار شد معاملات بین طرفین به صورت تهاتری انجام گیرد و حد اکثر معاملات ۳۵ میلیون تومان باشد . ایران تعهد نمود ۱۵ میلیون پنبه و ده میلیون پشم به روسیه صادر کند ، و روسیه نیز به ایران قند و پارچه و کالاهای صنعتی و نفت و بنزین صادر نماید .

۵. موضوع ترانزیت . در این خصوص موافقت شد که کلیه اجناس صادره از ایران به هر نقطه از اروپا حق عبور از خاک شوروی را داشته باشد ، ولی شوروی تنها به کالاهایی اجازه ترانزیت خواهد داد که دوست دولت شوروی باشند (عاقلی ، ۱۳۷۱ : ۲ - ۲۲۰)

با بررسی اوضاع اقتصادی و تجارت خارجی این دوره ، به نظر می رسد که کشور از لحاظ اوضاع داخلی از آن وخامت و شرایط اسف بار گذشته تا حدودی رها شده و تحولی در نظام اقتصادی آن رخ داده است . از طرف دیگر ، با بررسی روابط و تجارت خارجی با دول قدرت مند ، از جمله شوروی ، نقش نخبگان و دستگاه حاکمه جدید در رشد فرآیند تجارتي که برای کشور مفید بوده و از آن حالت خاموش بیرون می آمده است ، هویدا می شود .

در مجموع ، مبانی سیاست اقتصادی و مالی ایران را در دوره رضا شاه ، می توان به طور خلاصه چنین بر شمرد :

۱. اجرای سیاست اقتصاد دولتی (اتاتیسم) ، به معنای حاکمیت دولت بر همهٔ شئون ، و ارشادی (دیرژیسم) در چهارجوب نظام اقتصادی مختلط .
 ۲. اجرای برنامه های عمرانی و تخصیص وجوه زیاد به این امر .
 ۳. حمایت از صنایع داخلی .
 ۴. تعادل بودجه .
 ۵. وصول مالیات های زیاد از مردم
- اما مشکلات اقتصادی و مالی ایران در این دوره عبارت بودند از :
۱. کمبود نیروی انسانی ماهر و استفاده از کارشناسان خارجی در سال های آغازین این عهد .
 ۲. رایج شدن اقتصاد پولی ، که مشکلات زیادی را به همراه آورد .
 ۳. اوضاع نابسامان کشاورزی و وضع فلاکت بار دهقانان .
 ۴. فروش خالصه جات دولتی به مردم به عنوان یک منبع درآمد دولت که پایهٔ معاملات احتکاری زمین را بنیان نهاد .
 ۵. وجود تورم اقتصادی (جزایری ، همان : ۱۷۴ - ۱۵۵)

۱. سیاست گذاری های صنعتی

با روی کار آمدن رضاشاه ، دولت ایران در اوایل دههٔ دوم و اوایل دههٔ سوم قرن بیستم ، اصول بی طرفی را در سیاست خارجی کشور اعمال کرد . چنین سیاستی به ایران امکان داد تا اقتصاد ملی خود را توسعه دهد ، تأسیسات صنعتی احداث نماید و راه آهن و سایر راه ها را ، بدون دریافت قرض های اسارت آمیز خارجی و بدون کمک سرمایه های بیگانه ، به وجود آورد . اگر چه این اصول بی طرفی رضا شاه در فضای بین المللی ، با توجه به شرایط روی کار آمدن او و موقعیت ژئوپولیتیک ایران چندان معقول نبود و حکایت از ضعف رضا شاه در تشخیص شرایط جهانی داشت .

از سال ۱۹۳۰ م به منظور حمایت از صنایع ملی ایران قوانین زیر به تصویب رسید :

۱. قانون مربوط به واردکردن ماشین آلات بدون پروانه گمرکی.
۲. قانون مربوط به ایجاد تسهیلات کامل گمرکی برای وارد کردن ماشین آلات.
۳. قانون مربوط به عدم پرداخت مالیات فابریک ها و کارخانه ها به مدت ۵ سال و ... (ایوانف ، همان : ۷۵).

اجرای این تدابیر ضروری امکاناتی را برای رشد و توسعه صنایع ملی ایران به وجود آورد و موجب شد از اوایل دهه ۱۹۳۰م تعداد شرکت های تجاری و صنعتی زیاد شود و سرمایه های آن ها نیز افزایش یابد (خلیلی خو ، ۱۳۷۳ : ۱۸۲).

در این دوره اقدامات اساسی و قابل توجهی در زمینه صنعتی نمودن کشور صورت گرفت که متعاقب آن ایجاد اشتغال را با خود به همراه داشت و این کارخانه ها در نقاط مختلف کشور به بهره برداری رسید ؛ از آن جمله :

۱. کارخانه های ریسندگی و بافندگی در اصفهان ، مازندران ، تهران ، مشهد ، شیراز ، یزد ، اهواز ، چالوس ، بوشهر و کاشان .
۲. کارخانه های کبریت سازی در تهران و رشت .
۳. کارخانه های سیمان و گلیسیرین سازی در شهر ری .
۴. کارخانه گونی بافی در رشت .
۵. کارخانه حریر بافی در چالوس .
۶. کارخانه های چرم سازی در تهران ، تبریز و همدان .
۷. کارخانه های قند در نقاط مختلف کشور ، که شامل هشت کارخانه بود .
۸. کارخانه اسلحه سازی در تهران .
۹. کارخانه تولید دخانیات در تهران .
۱۰. کارخانه چوب بری در تمیشان آمل .
۱۱. مقدمات تأسیس کارخانه ذوب آهن در کرج .

در همین دوره ، ایران گام اول را در راستای توسعه صنایع مربوط به بخش کشاورزی برداشت ؛ چنان که در این زمینه پیشرفت قابل توجهی نمود . به عنوان مثال ، در بخش صنایع نساجی پیشرفت قابل ملاحظه ای کرد . بزرگ ترین مرکز نساجی کشور در اصفهان بود که دارای ۹ کارخانه بزرگ و حدود ده هزار نفر کارگر بود . هم چنین ، دیگر اقداماتی که در این زمینه صورت گرفت ، عبارت بودند از : تأسیس راه آهن سراسری ، استفاده از برق و ایجاد کارخانه مولد برق ، کارخانه های صابون سازی ، روغن کشی ، تصفیه آرد ، کنسرو سازی ، پنبه پاک کنی ، برنج کوبی و استخراج ذغال سنگ ، مس و گوگرد .

اما یکی از عمده ترین موانعی که بر سر راه صنعتی شدن کشور قرار داشت ، مانند گذشته ، عبارت بود از تسلط بقایای فئودالیسم در کشاورزی و فقر و ناداری عمومی دهقانان که اکثر مردم کشور را تشکیل می دادند و این عامل باعث محدودیت و کساد بازار داخلی می شد . مضاف بر این که هزینه هایی هنگفت در راه های غیر تولیدی ، مانند کارخانه های اسلحه سازی و دیگر تجهیزات نظامی ، مصرف می گردید (ایوانف ، همان : ۸ - ۷۶) . اگرچه این نوع سرمایه گذاری ها در رشد اقتصادی نفعی نداشت ، اما با توجه به شرایط و اقلیم و موقعیت استراتژیکی ایران ، در کنار عواملی هم چون نا امنی در دوره های قبل و دست درازی کشور های همسایه به داخل کشور و هم چنین شرایط جهانی ، همواره تداعی این نکته می شد که ایجاد ارتشی مستقل ، تحت امر حکومت ایران لازم و ملزوم یکدیگرند .

به هر روی ، احداث مؤسسات صنعتی و ساختن راه های شوسه و راه آهن ، انجام اصلاحاتی که در دوره رضاشاه صورت می گرفت ، و کلیه اقدامات سیاسی و اقتصادی که در سال های دهه دوم و سوم قرن بیستم تعقیب می شد ، همه این ها دگرگونی قابل ملاحظه ای در ساختار سیاسی و اجتماعی ایران به وجود آورد .

بخش قابل ملاحظه ای از اصلاحاتی که در این زمینه صورت می گرفت ، منبعث از تفکر و خواست روشن فکرانی بود که جای گاه ویژه ای در دستگاه حاکمه داشتند و در

روی کرد نوسازی و تحول در شئون مختلف کشور نقش محوری ایفا می نمودند؛ چه، در فراسوی اندیشه این افراد، کشورهای غربی قرار داشتند که با اصلاحات صنعتی و اجتماعی در آن ها به وحدت ملی رسیده بودند و با ژرف نگری جنبش های صنعتی و اجتماعی را هدایت می کردند. آشنایی با امر مذکور موجب گردید چنین افرادی خواستار اعمال آن در کشور خود ایران شوند؛ که البته تا حدود زیادی موفقیت آمیز بود و به نسبت قابل ملاحظه ای باعث جلوگیری از صنعتی شدن ایران شد؛ و آن، از بین نرفتن پای گاه های سیاسی و اقتصادی امپریالیست های خارجی در کشور بود که نفع خویش را در صنعتی شدن ایران می جستند.

کوتاه سخن، در وادی صنعتی کردن کاستی هایی در این مورد به جای ماند، که از آن جمله می توان موارد ذیل را نام برد:

۱. کوچک بودن واحد های تولیدی.
۲. اولویت قایل شدن برای صنایع نظامی یا صنایع وابسته به آن.
۳. عدم اقدام برای انتقال واحد های ابزار سازی و ماشین سازی در امور مختلف صنعتی به کشور، که این امر کشور را وابسته به تکنولوژی و ماشین آلات خارجی می کرد؛ به طوری که در پی اشغال نظامی ایران در جنگ جهانی دوم، تأمین تکنولوژی و ماشین آلات مورد نیاز واحد های مختلف صنعتی بسیار دشوار شد و به تعطیلی بسیاری از واحد های تولیدی، به خصوص واحد های متکی بر ماشین آلات و تکنولوژی آلمان، انجامید، که در اواخر سلطنت رضاشاه به عنوان نیروی سوم تکیه زیادی در امور مختلف به آن شده بود (مهدوی، ۱۳۸۴: ۴۰۰-۳۹۷).
۴. مشارکت بخش خصوصی (داخلی و خارجی) در سیاست توسعه صنعتی.
۵. بی توجهی به بخش کشاورزی، که ۷۵ درصد از مردم کشور در آن بخش فعالیت داشتند.

۲. سیاست گذاری های فرهنگی (سیاست تجدد خواهی)

سیاست تجدد خواهی در ایران با برخورد تفکر غربی در ذهن روشن فکران و نخبگان حاکم ، از صدر مشروطه آغاز شد و با قدرت گیری رضاشاه به حد اعلای خود رسید که در این امر برگزیدگان سیاسی که تمایل به نوسازی در ایران داشتند ، با تغییر در نظام مشروطه و اعتلای قدرت رضاشاه ، علاوه بر جنبه های سیاسی ، اقتصادی و صنعتی ، بخش عمده ای از روی کرد تفکر خود را بر اصلاح اجتماعی پایه گذاری کردند .

از جمله آرمان های مهم تجدد طلبان ، گسترش تعلیم و تربیت و ایجاد دانشگاه به سبک غربی و اتخاذ علوم و فنون پیشرفته و جایگزینی آن به جای مکتب های درسی قدیم بود . آنان با تغییر در نظام آموزشی کشور ، که سر آغاز تفکر و منش اجتماعی بود ، تغییراتی کاملاً بنیادین در تمام شئون اجتماعی کشور به وجود آوردند که بسیاری از آن ها با فرهنگ اصیل ایرانی و اسلامی ما سازگاری نداشت .

اما سؤالی که در این جا مطرح می شود ، این است که ، چرا تجدد خواهان که با اصول حکومتی و ماهیت دموکراتیک جوامع غربی آشنایی داشتند ، خواستار ماهیت اقتدارگرایانه ، غیر دموکراتیک و استبدادی حکومت رضاشاه بودند ؟ این ایراد را می توان با واقعیات سیاسی در سطح جهان آن روز توجیه کرد (غنی نژاد ، ۱۳۷۷ : ۳۹) .

دوران حکومت رضاشاه در حقیقت مصادف بود با به اصطلاح تحکیم دیکتاتوری کمونیستی در شوروی ، حکومت اقتدار گرا و ملی گرای ترکیه و نیز پیدایش حکومت های توتالیتر در غرب ، یعنی فاشیسم در ایتالیا و مهم تر از آن ناسیونال سوسیالیسم در آلمان ؛ و تصور غالب بر این بود که این حکومت ها ، که در افکار عمومی آینده درخشانی هم برایشان پیش بینی می شد ، پیشرفت های چشم گیر اقتصادی ، صنعتی و نظامی و در پی آن تحولات اجتماعی را عملاً در سایه دیکتاتوری سیاسی به دست

آورده اند؛ و این می توانست توجیهی باشد برای تجدد طلبی توأم با استبداد رضاشاهی (غنی نژاد، همان: ۳۹ - ۴۰).

به نظر می رسد که این توجیه، توجیه منطقی و کارآمدی نبود و تنها می توانست ایرانیان را از نظر ظاهری شبیه به غرب کند و برنامه شبیه سازی غربی ها را جامعه عمل بپوشاند؛ درحالی که جامعه ایران نیازمند اصلاحات اساسی، ریشه ای و نظام مند بود.

اما در راستای این سیاست اتخاذ شده از سوی نخبگان سیاسی حاکم، تغییرات عمده اجتماعی، از جمله تغییر در نظام آموزشی، قضایی، اداری، پوشش، هنر، زبان و غیره، صورت گرفت؛ که به نظر می رسد اگر با تکیه بر اصول زیر بنایی و منظم صورت می پذیرفت، ماندگاری و ژرفای بیش تری می یافت؛ چرا که دیکتاتورهای سیاسی می روند، ولی اصول و نظام ها برجا می ماند.

اما در عرصه قضایی و نوسازی دادگستری نقش محوری و فعال داور حائز اهمیت است. از مهم ترین اقدامات وی، علاوه بر اصلاح دادگستری، اصلاحات اداری و تأسیس اداره ثبت احوال نیز قابل ذکر است. تأسیس اداره ثبت احوال و املاک توسط داور، سبب ارتقای کارایی حقوقی، قضایی و اقتصادی شد و به موجب قانون مصوب ۲۱ بهمن ۱۳۰۶ ه. ش، و متمم آن مصوب ۱۱ دی ۱۳۰۷ ه. ش، حدود وظایف ثبت اسناد و املاک کشور معین شد و به موجب قانون مصوب مهر ۱۳۰۸ ه. ش، مقرر شد طی دو سال افراد به ثبت ملک شخصی خود اقدام نمایند (لمبتون، ۱۳۷۷: ۲ - ۳۴۱).

طی این اقدامات، تمهیداتی برای ثبت اسناد موقوفه اندیشیده شد. برای املاکی که مالک مشخصی نداشتند، مانند طرق و شوارع و اراضی جبال، هم چنین نسبت به جنگل های عمومی، از افراد تقاضای ثبت پذیرفته نمی شد. طبیعی بود که در امر ثبت املاک و اعاده مالکیت حقیقی آن، مشکلاتی پیش می آمد؛ چنان که در فارس و

دیگر نقاط متعدد، متصرفان ملکی از آن بهره برداری می کردند و مبلغی را طبق عرف محلی به مالک می دادند و از جهاتی واجد برخی حقوق مالکیت بودند؛ و این اشکالاتی را به وجود می آورد. برای رفع این ابهام، مقرر شد که یک ملک نمی تواند دو مالک داشته باشد؛ و از این رو، با وجود حقی که به متصرفان داده شده بود، ولی آنان را مالک نمی شناختند و مالک حقیقی کسانی بودند که از متصرفان، طبق قراردادی که با آنان منعقد کرده بودند، حق مالکانه می گرفتند و متصرفان تنها از حقوقی بهره مند می شدند که مالک به آنان می داد (همان جا).

داور، که پس از به سلطنت رسیدن رضاشاه در کابینه فروغی به وزارت عدلیه رسیده بود، برای ایجاد دادگستری نوین، ابتدا لازم دانست تشکیلات دادگستری گذشته را از بین ببرد. از همین رو، در ۲۰ بهمن ۱۳۰۵ ه. ش تشکیلات دادگستری را منحل کرد و در ۲۷ همان ماه، برابر قانون، اجازه ایجاد تشکیلات دادگستری نوین را یافت.

داور برای ایجاد این نوع تشکیلات با چند عامل بازدارنده مواجه بود، از آن جمله موارد زیر را می توان بر شمرد:

۱. محاکم و محاضر شرع (و طرف داران آن ها در مجلس شورای ملی)، که طی قرون متوالی کار قضاوت را در دست داشتند و حاضر به تغییر در این اصول نبودند.
۲. ادعای ایران برای الغای کاپیتولاسیون، زیرا دول خارجی قضاوت محاکم شرع را قبول نداشتند.
۳. مردم عامی، که عادت داشتند اختلافات را با رجوع به محاکم شرع حل و فصل کنند و مایل نبودند محاکمات عدلیه را بپذیرند.
۴. صاحبان قدرت و نفوذ، که در موقع تجاوز به حقوق ضعیف از محاکم شرع واهمه نداشتند، زیرا محاضر برای اجرای حکمی که صادر می کردند، نیرویی در اختیارشان نبود؛ در صورتی که در عدلیه با قوه اجرایی دولت مواجه بودند.

۵. نیروهای از کار برکنار شده عدلیه سابق و فشار و اعتراض آن ها به سبب نداشتن ممر درآمد (راهنمای کتاب، ۱۳۵۲: ش ۱۲ - ۱۰، ۷۵۰).

با همه این مخالفت ها و موانع، اصول عدلیه نوین پایه ریزی شد و برای ارتقای سطح کیفی و کمی محاکم نوین، ادارات ثبت اسناد، املاک و دفاتر اسناد رسمی به وجود آمد. علی اکبرداور دست به ایجاد کلاس های قضایی، ثبت اسناد و امور مالی زد و خود او و استادانی چون عامری، صدرالاشراف، عبده، میر سید محمد فاطمی، منصورالسلطنه عدل، ابوالقاسم فروهر و دکتر فلاتی، در آن ها به تدریس پرداختند و تنها با برگزاری امتحانات از بین محصلان بود که افرادی با رتبه قضایی یا اداری استخدام می شدند (همان جا).

در سه دوره قانون گذاری که علی اکبر داور وزیر دادگستری بود، با روش آزمایش و اصلاح، یک صد و بیست لایحه تقدیم کرد و از تصویب گذراند، که مهم ترین آن ها که اساس ایجاد عدلیه را هویدا می کند، عبارت اند از:

۱. قانون استخدام قضات و صاحب منصبان و مباشران ثبت اسناد، مصوب اسفند ۱۳۰۶ هـ ش در ۵۰ ماده.
۲. قانون مدنی مصوب ۱۸ اردیبهشت ۱۳۰۷ هـ ش، در ۹۵۵ ماده. در این قانون صریحاً اعلام شد که از روز ۲۰ اردیبهشت ۱۳۰۷ هـ ش، کاپیتولاسیون ملغی است.
۳. قانون اصول تشکیلات دادگستری، مصوب تیر ۱۳۰۷ هـ ش در ۱۱۸ ماده.
۴. قانون محاکمات نظامی، مصوب تیر ۱۳۰۷ هـ ش در ۲۸۲ ماده.
۵. قانون محاکمه وزراء و هیئت منصفه، مصوب تیر ۱۳۰۷ هـ ش در ۱۵ ماده.
۶. قانون تشکیل و طرز رسیدگی دیوان جزایی و اعمال دولت، مصوب دی ۱۳۰۷ هـ ش در ۱۶ ماده.

۷. قانون تشکیل دفاتر اسناد رسمی ، مصوب بهمن ۱۳۰۷ هـ . ش در ۲۰ ماده . در این تاریخ ، نخستین دفاتر رسمی در ایران تأسیس شدند و اسناد ثبت شده ، اعتبار و رسمیت پیدا کردند .

۸. قانون ثبت اسناد و املاک ، مصوب بهمن ۱۳۰۷ هـ . ش در ۲۵۶ ماده .

۹. قانون تسریع محاکمات ، مصوب تیر ۱۳۰۹ هـ . ش در ۷۷ ماده .

۱۰. قانون مجازات عمومی ، تحت عناوین مختلف ، مصوب تواریخ متعدد .

۱۱. قانون تجارت ، مصوب اردیبهشت ۱۳۱۱ هـ . ش ، در ۶۰۰ ماده (صدیق ،

۱۳۵۲ : ۶-۱۲۵) .

در راستای اهداف تجدد خواهانه ، در شکل مدارس و شیوه تدریس علوم ، تغییرات عمده ای صورت گرفت ؛ چنان که در سال ۱۳۰۷ هـ . ش ، به موجب قانون مخصوصی ، دولت با صرف هزینه هایی ، شروع به اعزام دانشجو به اروپا و آمریکا نمود؛ به طوری که تا سال ۱۳۱۳ هـ . ش ، سالانه یک صد دانشجو برای تحصیل اعزام می شدند و در پی این اقدامات دانشگاه تأسیس شد (صدیق ، ۱۳۱۹ : ۹-۳۶۸) .

در سال ۱۳۱۴ هـ . ش ، فروغی موضوع تأسیس فرهنگستان را در هیئت وزیران مطرح ساخت و برای تأسیس فرهنگستان تصویب نامه ای از هیئت وزیران گذشت و پس از گذشتن این تصویب نامه ، کمیسیونی زیر نظر علی اصغر حکمت ، وزیر فرهنگ ، مأمور تهیه مقدمات تأسیس فرهنگستان ، گردید . هدف عمده و اساسی فرهنگستان ، پاک سازی و زنده نگه داشتن زبان فارسی بود (صفائی ، ۱۳۵۶ : ۹۱) .

از دیگر اقدامات اجتماعی در این دوره که به اجرا در آمد ، می توان به موارد زیر اشاره کرد : بزرگ داشت فردوسی ، تغییر تقویم کشور ، ایجاد ورزش گاه و تعلیم ورزش در مدارس ، توجه به هنرهای ملی ، هم چون نقاشی مینیاتور ، تذهیب ، خاتم سازی ، منبت کاری ، زری بافی ، نقشه قالی و غیره ، و هم چنین هنرهای زیبا ، مجسمه سازی ، معماری و موسیقی و مانند آن (همان : ۷۰ ، ۱۱) .

در تحولات اجتماعی به سبک غربی، تیمورتاش نقش بسزایی داشت. او که تحصیل کرده خارج بود، اقدام به توسعه مدارس و فرستادن دختران و پسران در یک مدرسه نمود (دهباشی، ۱۳۷۸: ۷۴۸). یکی از اقدامات متهورانه تیمورتاش، مسئله تغییر لباس مردان بود. چنان که وقتی وی از مأموریتی از شوروی بازگشت، کلاه جدیدی را به نام کلاه پهلوی مرسوم نمود و کارمندان را موظف به استفاده از آن کرد، و جای گزین کردن شیوه پوشیدن غربی به جای لباس های سنتی برای مردان، از دیگر اقدامات وی بود. به همین سبب، برای دوخت کت و شلوار چندین خیاط روسی را استخدام کرد و به ایران آورد و قانونی وضع کرد که مقامات دولتی موظف اند مانند اروپاییان لباس بپوشند (عاقلی، همان: ۸ - ۲۳۶).

تیمورتاش برای رفع حجاب و توسعه معارف برای زنان و ایجاد شرایطی که بتوانند هم چون مردان در مدارس متوسطه و دانشکده ها درس بخوانند و به استخدام ادارات درآیند، به جد تلاش کرد (دهباشی، همان: ۷۴۵).

یکی دیگر از اقدامات متجددانه تیمورتاش تأسیس کلوپ ایران بود که جمع نسبتاً زیادی از اروپا رفته ها یا کسانی که همسر خارجی داشتند، و هم چنین مقامات عالی رتبه وزارت امور خارجه و اعضای سفارت خانه های مقیم تهران، عضو آن بودند. رئیس هیئت مدیره و کارگردان کلوپ شخصی، تیمورتاش بود و هر شب تا چند ساعت از شب گذشته در این کلوپ می ماند. در آن جا تصمیمات مهمی در کلیه شئون کشور اتخاذ می شد. اعضای کلوپ، غیر از تیمورتاش، عبارت بودند از: علی اکبر داور، نصرت الدوله فیروز، سردار اسعد بختیاری، وکیل الملک دیبا و ... (عاقلی، همان: ۲۵۴).

برپاداشتن کنسرت عمومی برای نخستین بار با خواننده زن، مجالس جشن سینما، گاردن پارتی ها و غیره، از دیگر اقدامات تیمورتاش برای هرچه نزدیک تر کردن فرهنگ کشور به غرب بود.

نتیجه گیری

به طور عمده سیاست تجدد خواهی در ایران و تغییرات عمده در شئون مختلف کشور را، که بسیار سطحی بودند و نتوانستند تأثیرات عمیقی در کشور داشته باشند، به طور خلاصه، می توان این گونه بیان نمود:

۱. تغییر در وضع قوانین دادگاه های شرع و تبدیل آن به دادگستری نوین برگرفته از اصول قوانین اروپایی .

۲. کشف حجاب ، که موجب طغیان احساسات مذهبی در جامعه گردید.

۳. تغییر در لباس سنتی مردان و متداول کردن آن به شیوه اروپایی ، براساس اصل استعماری شبیه سازی.

۴. محدود کردن جدی کارکرد دین و روحانیان در جامعه و مبارزه با نقش بسیار فعال آن ها ، خصوصاً در زمینه آموزش و پرورش و تعلیم و تعلم ، و هم چنین ، خارج کردن اداره اوقاف و موقوفات از دست ایشان .

۵. تغییر بنیادین در شیوه تدریس و ایجاد سازمان های آموزشی و دانشکده ها در سطح آموزش عالی و تخصصی.

مسلماً بسیاری از تحولات صورت گرفته در عصر پهلوی اول ، تحت تأثیر مستقیم نخبگان سیاسی آن دوره و براساس رو نویسی یا تقلید از نظامات غربی صورت گرفته است . این امر ، اگرچه شاید به ظاهر ایران را وارد دوره جدید کرد ، ولی به دلیل توجه کافی نکردن به مبانی سنتی - ایرانی و تاریخی و دینی و مذهبی ، نتوانست جامعه ما را مرفقی و پیشرو سازد و در بسیاری از موارد نیز حتی موجبات عقب ماندگی شد . این تأثیرات عمدتاً سطحی بودند و با برکناری رضا شاه دستخوش تغییرات زیاد گشتند . به بیان ساده ، نخبگان سیاسی نمی بایستی همه تخم مرغ های خود را در سبد رضا شاه قرار

می دادند؛ آن‌ها می‌بایستی به جای اتکاء به اقتدار فردی، به فکر ایجاد نظامی کارآمد می‌بودند.

کتابنامه

۱. آژند، یعقوب و دیگران. ۱۳۷۸، *نفت در دوره رضاشاه (اسنادی از تجدید نظر در امتیاز نامه داری، قرارداد ۱۹۳۳)*، تهیه و تنظیم اداره کل آرشیو اسناد و موزه دفتر رئیس جمهور، تهران، سازمان فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲. آوری، پیتر. ۱۳۶۷، *تاریخ معاصر ایران*، ترجمه محمد رفیعی مهر آبادی، تهران، عطایی، ج ۳.
۳. ایوانف، م. س. بی تا، *تاریخ نوین ایران*، هوشنگ تیزابی، ضیاء.
۴. جزایری، شمس‌الدین. ۱۳۲۵، *قوانین مالی (محاسبات عمومی و مطالعه بودجه از ابتدای مشروطیت تا حال)*، تهران، دانشگاه تهران.
۵. خلیلی‌خو، محمد رضا. ۱۳۷۳، *توسعه و نوسازی ایران در دوران رضاشاه*، تهران جهاد دانشگاهی.
۶. دهباشی، علی. ۱۳۷۸، *آینه عبرت (خاطرات دکتر نصرالله سیف پور فاطمی)*، تهران، سخن.
۷. راسخی لنگرودی، احمد. ۱۳۸۴، *موج نفت (تاریخ ایران از امتیاز تا قرارداد)*، تهران، اطلاعات.
۸. *راهنمای کتاب*. ۱۳۵۲، سال ۱۶. ق. ۱۰-۱۲.
۹. صدیق، عیسی. ۱۳۵۲، *چهل گفتار*، تهران، دهخدا.
۱۰. صفائی، ابراهیم. ۱۳۵۶، *رضاشاه کبیر و تحولات فرهنگی ایران*، تهران، وزارت فرهنگ و هنر.
۱۱. عاقلی، باقر. ۱۳۷۱، *تیمورتاش در صحنه سیاست ایران*، تهران، جاویدان.

۱۲. عبده، جلال. ۱۳۶۸، *چهل سال در صحنه قضایی، سیاسی، دیپلماسی ایران و جهان*، ویرایش و تنظیم از مجید تفرشی، تهران، مؤسسه فرهنگی رسا، ۲ج.
۱۳. غنی نژاد، موسی. ۱۳۷۷، *تجدد طلبی و توسعه در ایران معاصر*، تهران، مرکزی.
۱۴. فاتح، مصطفی. ۱۳۳۵، *پنجاه سال نفت ایران*، تهران، شرکت سهامی چهر.
۱۵. فوران، جان. ۱۳۸۲، *مقاومت شکننده (تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سال های پس از انقلاب اسلامی)*، ترجمه احمد تدین، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
۱۶. لمبتون، آن. ک. اس. ۱۳۷۷، *مالک و زارع در ایران*، ترجمه منوچهر امیری، تهران، علمی و فرهنگی.
۱۷. متین دفتری، احمد. ۱۳۲۴، *آیین دادرسی*، تهران، چاپخانه بانک ملی ایران.
۱۸. وزیری، شاهرخ. ۱۳۷۹، *نفت و قدرت در ایران (از قنات تا لوله نفت)*، ترجمه مرتضی ثاقب فر، تهران، عطایی.
۱۹. هدایت، مهدی قلی (منیرالسلطنه). ۱۳۴۴، *خاطرات و خطرات*، تهران، زوار.